

انقلاب اسلامی و فعالیت‌های فرهنگی هدفمند «با تأکید بر مفهوم عدالت»

توحید محرمی^۱

چکیده:

ایده فعالیت فرهنگی از درون و ذهن انسان آغاز می‌شود و باهدف روشنگری و پرورش روح پیام و معنایی را به‌طور هدفمند به مخاطب ارائه می‌کند. تعالی‌بخش بودن این پیام‌ها برای ارتقاء جامعه از دغدغه‌های همیشگی بشر بوده است. موضوعی که در گفتمان انقلاب اسلامی همواره مدنظر بوده و در آموزه‌های اسلامی از آن به‌عنوان «حیات طیبه» یاد می‌شود. عدالت اجتماعی موجب توسعه همه‌جانبه جامعه می‌شود؛ اما در مقابل این اشاعه تبعیض و احساس محرومیت است که صلح، حمایت از کار، رشد آزاد، هویت و دانش، مشروعیت، وحدت ملی و غیره را به مخاطره می‌اندازد و حیات طیبه تحقق پیدا نمی‌کند. از طرفی با توسعه و گسترش ابعاد مختلف زندگی بشر، دایره شمول مفهوم عدالت افزایش یافته است و دیگر ظلم و بی‌عدالتی به عمل مستقیم فرد محدود نمی‌شود، بلکه نادیده گرفته شدن خیر عمومی در اقدامات اجتماعی، می‌تواند از مصادیق ظلم باشد. بر همین اساس، مقاله پیش‌رو، باهدف تحریک اذهان و توجه مراکز علمی و سیاست‌گذاری کشور به موضوع فعالیت‌های فرهنگی هدفمند و مسئله عدالت، سعی دارد در حد توان به چگونگی فعالیت‌های فرهنگی عدالت محور پس از انقلاب اسلامی پاسخ دهد؟ نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای بوده و روش آن اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد؛ باوجود آرمان‌های عدالت خواهانه انقلاب اسلامی خیر عمومی به‌طور منسجم و سازمان‌یافته بهبود نیافته است و همچنان نیازمند توسعه و گسترش فعالیت‌های فرهنگی عدالت محور برای ارتقاء جامعه هستیم.

واژگان کلیدی:

انقلاب اسلامی، فعالیت‌های فرهنگی، جمهوری اسلامی، عدالت، خیر عمومی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹

moharramitohid@yahoo.com

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ هنر ارتباطات

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی واقعه‌ای غیرمنتظره بود که با سپری کردن مسیری متفاوت و خارج از الگوهای متداول و رایج انقلاب‌های جهان، نظریات علمی مربوط به انقلاب‌ها را به چالش کشید (صفرپناهی، ۱۳۸۵: ۲۱). جهانیان با وقوع انقلاب اسلامی در ایران شاهد افزایش توجه به دین شدند و با طرح دیدگاه‌های تازه برای مفاهیمی چون؛ ایمان، آزادی، عدالت، مصلحت، حق، قدرت، جهاد، صلح و امنیت و... رویکردهای نوینی پیش روی جوامع بشری گشوده شد، برعکس روند مکتب کمونیسم شرقی و لیبرالیسم در غرب که جهان را به سمت سکولار شدن بیشتر رهنمون می‌کردند (محرمی، ۱۳۹۷: ۶۶). این انقلاب به دلیل ویژگی‌های معنویت‌گرایی و عدالت‌گرایی خود روابط سلطه‌آمیز و ناعادلانه موجود کشورهای قدرتمند و استعمارگر را بر کشورهای ضعیف مورد نقد و نفی قرار داد و نگرش دنیامحورانه و مادی‌گرایانه حاکم بر نظام بین‌الملل را به مبارزه طلبید و عناصر جدید غیرمادی را به‌عنوان چارچوب جدید نظام بین‌الملل مطرح نمود (ملکوتیان، ۱۳۸۸: ۲۰). البته نباید از نظر دور داشت که این انقلاب در کشوری به وقوع پیوست که مردمش ذاتاً از فرهنگ و قدمت تاریخی باشکوه ایرانی بودن برخوردارند.

از سویی دیگر در فرایند صنعتی شدن و پیشرفت فناوری، بُعد کمی زندگی، بیشتر مدنظر قرار داده شده و جنبه‌های کیفی زندگی انسان، یکی از موضوعات مهمی بوده است که مورد غفلت قرار گرفته است (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۳). توجه به این موضوع از آنجا نشأت گرفته است که انسان امروزی متناسب با پیشرفت‌های مادی و افزایش رفاه و آسایش در زندگی خود از رضایتمندی کافی برخوردار نمی‌باشد و جنبه‌های معنوی، احساس برابری، محرومیت و تبعیض، با دیگر ابعاد زندگی بشری درگیر شده است. در این بین فعالیت‌های فرهنگی باهدف زمینه‌سازی برای گسترش ارزش و فضیلت عدالت، می‌تواند در کاهش و رفع احساس ناکامی‌های ناشی از سیاست‌های اقتصادی اجتماعی نقش ایفا نماید. هدفی مهم که عدالت با مشترکات عمیقی که با مفاهیم انسانی فارغ از دین دارد در دایره مفاهیم بنیادین اسلام قراردادده است و لذا بسترسازی برای تحقق عدالت و تعالی بشر و رسیدن به حیات طیبه در دین اسلام هم از اهمیت خاصی برخوردار است به طوری که برقراری عدالت را از شروط اساسی تأسیس

جامعه مطلوب دانسته است و قرآن کریم آن را شرط بقاء و دوام جوامع می‌داند و می‌فرماید؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (حدید/ ۲۵)^۱

حفظ تازگی موضوع پرتکرار عدالت و اهمیت ارتباط آن با انقلاب اسلامی از آنجا است که؛ جامعه ایرانی هنوز در مسیر توسعه و در حال پیشرفت است و نخبگان فکری، اجتماعی و به‌ویژه سیاست‌گذاران شناخت کافی از ابعاد نظری و اهتمام لازم برای برقراری ساختار توزیعی برای آن نداشته‌اند. نکته ایی که در چند برنامه توسعه‌ای تصویب شده برای کشور هم اثری از چگونگی اجرای فرآیند و تحقق آن به‌طور جامع و منسجم مشاهده نمی‌شود. آغاز این رویکرد را می‌توان با پایان جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران، در دولت هاشمی رفسنجانی دید که با تمرکز و تقویت دولت، سیاست ارشادی کنار گذاشته شد و دولت به ایجاد زیربنای اقتصادی و صنعتی شدن تغییر جهت داد. باوجود ماهیت مردمی انقلاب اسلامی و ثقل بالای گفتمان فرهنگی آن‌که اجراء، ساماندهی و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی در جهت اهداف و آرمان‌های حاکمیت را از وظایف دولت‌ها دانسته است؛ اما ساختار و عملکرد دولت‌های بعدی، همچنان با ماهیت توسعه‌گرایی صرفاً توسعه اقتصادی خود را حفظ کردند و به توسعه فرهنگی بهایی داده نشد و به جنبه سخت‌افزاری و ظواهر تجدد توجه گردید. به بیان دقیق‌تر برنامه‌ریزان «بعد فرهنگی» در گسترش «عدالت» را در برنامه‌های توسعه‌ای به‌ویژه برنامه‌های پنج‌ساله از یاد بردند. این غفلت به این معنا نیست که دولت‌های پس از جنگ به نوسازی اقتصادی و صنعتی ایران نپرداختند؛ بلکه برای توسعه و گسترش عدالت و ارتقاء نظام‌مند کیفیت زندگی و احساس آن، چندان کاری انجام ندادند. به طوری‌که عدم تحقق اهداف و آرمان انقلاب اسلامی و بهاء ندادن به خواسته‌ای طبقات اجتماعی، جامعه ایران را با انباشت مطالبات عدالت خواهانه و درک نشدن ارتقاء آن مواجه ساخت. لذا این مقاله با طرح ضرورت مذکور باهدف واکاوی نقش فعالیت فرهنگی هدفمند برای بسط عدالت و با تأکید بر ارتقاء آن، سعی دارد به این و سؤال پاسخ دهد که فعالیت‌های فرهنگی عدالت محور پس از انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟ روش تحقیق

۱. قَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ...

مقاله، توصیفی - تحلیلی بوده و با شیوه بهره‌برداری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، مراجعه درگاه‌های معتبر علمی و آکادمیک در اینترنت پیگیر پاسخ سؤال مقاله خواهیم بود.

چارچوب مفهومی مفهوم‌شناسی عدالت

آغاز اندیشه اجتماعی در غرب به نظریات افلاطون و ارسطو برمی‌گردد. افلاطون چهار فضیلت حکمت، شجاعت، عفت (خویشتن‌داری) و عدالت را فضایل اصلی نفس انسان بیان می‌کند. ارسطو هم عدالت را فضیلتی می‌داند که حد وسط میان دو رذیلت ارتکاب ظلم و تحمل ظلم قرار دارد. در حقیقت عدالت ملکه‌ای است که موجب می‌شود آدمی استعداد به‌جا آوردن اعمال عادلانه را داشته باشد و عمل عادلانه انجام دهد؛ اما ظلم در مقابل سیرتی است که آدمی را وادار می‌کند در برابر هم‌نوعان خود عمل خلاف عدالت به‌جا آورد و خواستار بی‌عدالتی باشد (اترک، ۱۳۹۲: ۱۰۳). عدالت در مکاتب و نظریه‌های غربی و شرقی در دهه‌های اخیر بسیار مهم و دال اصلی تلقی شده است؛ در عدالت لیبرالیستی؛ هر کس فقط خود مالک زندگی خود است و انسان را مختار در عمل می‌بیند تا جایی که به آزادی دیگران لطمه نخورد. در سوسیالیسم هم عدالت به معنی نیل به برابری است؛ یعنی از هر کس برحسب توانش و به هر کس برحسب نیازش می‌بایست از منابع جامعه بهره‌مند باشد. در نظر قراردادگرایان، عدالت، حداکثرسازی سعادت یا رضایت کامل است و در فمینیسم نیز، عدالت، برخورداری زنان از فرصت‌های مشابه در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ذکر شده است (محمدپور و اورعی یزدانی، ۱۳۹۴: ۱۴۳)؛ اما برخلاف رویکردهای لیبرالی معاصر، مایکل سندل سه رویکرد را درباره عدالت مطرح می‌کند که تقریباً مجموع نظریه‌های مربوط به عدالت (رفاه، آزادی و فضیلت) را در خود جای می‌دهد و معطوف به اجتماع و فرهنگ‌های مختلف است. سندل بر ارزش‌های موجود در اجتماع و زمینه‌های فرهنگی آن تأکید می‌کند و اجتماع را در صورت‌بندی اخلاقی افراد عنصری محوری در نظر می‌گیرد. باید توجه داشت که عدالت و فضیلت در نظریه سندل قابل جدا شدن از یکدیگر نیستند و از این حیث موضعی ارسطویی است. به نظر او تأمل درباره عدالت، لاجرم ما را به

تأمل درباره بهترین شیوه زندگی و ادار می‌کند. اگر استدلال‌های را که در زمینه تنظیم صحیح امور از جمله اقتصاد مطرح شده تحلیل کنیم، به این پرسش مهم ارسطو بازمی‌گردیم که مردم به لحاظ اخلاقی، شایسته چه چیزی هستند؟ و چرا؟ لذا بر این اساس عدالت باید دربرگیرنده پرورش فضیلت و خیر عمومی باشد و امری معطوف و مربوط به اجتماع و زمینه‌های فرهنگی است و با رویکردی فردگرایانه نمی‌توان تبیین صحیحی از عدالت به دست داد (توسلی رکن‌آبادی و شجاعیان، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

و اکاوی اندیشه اسلامی هم نشان می‌دهد؛ برخی از حکمای اسلامی، به معنای افلاطونی عدالت قائل هستند و گروهی دیگر معنای ارسطویی آن را پذیرفته‌اند؛ و دسته سومی نیز عدالت افلاطونی و ارسطویی را یکی دانسته‌اند؛ که این سینا از جمله این گروه از حکماست. او معنای افلاطونی عدالت فردی و معنای اجتماعی و ارسطویی را با هم ذکر می‌کند و آن را حد وسط میان ظلم و انظلام می‌داند. ابوعلی مسکویه، خواجه نصیر طوسی، عضدالدین ایجی و عبدالرزاق لاهیجی نیز در بخشی از کلام خود مرتکب خلط معنایی شده‌اند؛ اما غزالی از جمله حکمایی است که کاملاً به تمایز معنای افلاطونی و ارسطویی عدالت توجه کرده و آن را صرفاً به حالت نفسانی و هیئت استعلایی قوه عاقله بر قوای شهوی و غضبی تعریف می‌کند و ردیلت مقابل آن را فقط «جور» قرار می‌دهد. جلال‌الدین دوانی، مهدی نراقی و ملاصدرا نیز ردیلت مقابل عدالت را تنها جور دانسته‌اند (اترک، ۱۳۹۲: ۱۰۹)؛ بنابراین عدالت از آن دست مفاهیمی است که برای شناخت آن بایستی مفهوم مخالف آن یعنی؛ ظلم و فساد را شناخت و دانست هر آن چیزی که افراد بشر در دنیا به حسب خلقت خودشان و فعالیت‌هایی که می‌کنند و استعدادهایی که از خود نشان می‌دهند، استحقاق‌هایی پیدا می‌کنند؛ بر این مبنای عدالت عبارت است از آن استحقاق و حقی است که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است، به او داده شود. نقطه مقابل عدالت، ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۵۴).

عدالت و اقامه قسط و داد در جامعه یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبران است (محمدپور و اورعی یزدانی، ۱۳۹۴: ۱۴۳) و در اسلام نیز واژه عدالت به رعایت تناسب و اعتدال تعریف شده است و هرگاه کسی شایسته هر چیزی است، به او داده شود، عدالت مراعات شده است.

(نجفی، ۱۳۹۱: ۴). به لحاظ اخلاقی، مفهوم عدالت در مقابل ظلم قرار می‌گیرد و به معنای دیگر احقاق حق و اخراج حق از باطل است و امر متوسط میان تفریط و افراط را می‌گویند. به عبارت دیگر، عدل^۱ یعنی اینکه هر چیز و هر کس با توجه به استعداد، ظرفیت و توانایی‌های ذاتی و اکتسابی خود، در جایگاه شایسته خویش قرار گیرد و اعتدال و استقامت در میل به حق را داشته باشد. فقها شیعه هم عدالت را ملکه‌ای می‌دانند که موجب تقوا می‌شود (انجام واجبات و ترک محرمات). فلاسفه و علمای علم اخلاق نیز فضیلت عدالت را نتیجه هماهنگی سه قوه غضبیه، شهویه و ناطقه دانسته‌اند (محرمی، ۱۳۹۴: ۱۶۷)؛ بنابراین در یک تقسیم‌بندی کلی عدالت اول به معنای؛ موزون بودن؛ مثلاً مجموعه‌ای که در آن اجزاء و ابعاد مختلف به کاررفته است، باید در آن شرایط معینی از حیث مقدار لازم هر جزء و از لحاظ کیفیت ارتباط اجزاء با یکدیگر مراعات شود. دوم. تساوی و نفی هرگونه تبعیض سه. رعایت استحقاق‌ها و عطا کردن به هر ذی‌حقی، یعنی آنچه استحقاق آن را دارد را می‌توان ذکر کرد (مطهری، ۱۳۵۳: ۱۶-۱۳). فارغ از نظریات اندیش‌مندان، در قرآن کریم — کتاب مقدس مسلمانان — نسبت به رعایت عدل و انصاف بسیار تأکید شده است. به طوری که در آیات ذیل از زبان رسول خدا می‌فرماید: «من مأموریت دارم تا در میان شما اجرای عدالت کنم»^۲ و یا «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است»^۳. در این آیه خداوند سبحان ضمن بیان اهداف فرستادن پیامبران آهن و سلاح را (یعنی قدرت نظام را) پشتوانه تنفیذ و اجرای آن قرار داده است. حتی در اجتهاد و استنباط فقها و نیز برداشت‌های آنان از کتاب و

۱. اَلْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا.

۲. فَلَيْدَ لَكَ قَادِعٌ وَأَسْتَقِمُّ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (شوری/ ۱۵).

۳. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (حدید / ۲۵).

سنت و بینش‌هایشان باید در مسیر اقامه قسط و عدالت بین مردم باشد و اگر حکمی یا فتوایی با موازین عدالت قسط همراه نباشد خارج از محدوده هدف بعثت و امامت و فقاقت قرار گرفته است. یا در آیه‌ای دیگر خداوند رسول (ص) خود را خطاب قرار می‌دهد که: «هرگاه حکم کنی پس حکم کن میان ایشان به داد، همانا خداوند دوست دارد دادگران را»^۱ و «بگو پروردگرم امر کرده است به دادگری»^۲. که اینجا امر به گفتن همان تبلیغ و فعالیت فرهنگی برای گسترش عدالت است که در مجموعه تعالیم دین خودش نیز از شروط ایمان است قرآن کریم در یکی از آیات بر آن این‌گونه تأکید می‌کند: «ای آنان که ایمان آوردید باشید نگهبانان یا قیام‌کنندگان برای خدا گواهانی به داد و وا ندارد شما را کین قومی بر آنکه داد نکنید، دادگری کنید که آن نزدیک‌تر است به پرهیزگاری»^۳ همچنین باز ندارد شما را خدا از آنان که جنگ با شما نکردند در دین و برون نراندند شما را از خانه‌های خویش که نیکی کنید با آنان و از در دادگری با آنان درآئید همانا خدا دوست دارد دادگران را^۴ قرآن کریم امر به صلح و سازش را هم با عدل و انصاف توصیه می‌کند^۵ مسئله عدالت به قدری در سرنوشت ملت‌ها و دولت‌ها اهمیت دارد که حتی حکومت‌های جور نیز ریاکارانه خود را متصف به آن دانسته و برای جلب قلوب مردم هدف خود را تحقق قسط و عدل اعلام می‌کنند (نجفی، ۱۳۹۱: ۲). بسیاری از مصلحان تاریخ هدف از برقرار حکومت عادلانه عنوان نموده‌اند. در انقلاب اسلامی هم رهبری انقلاب تأکید داشت که؛ ما می‌خواهیم عدالت اسلامی در این مملکت برقرار کنیم... اسلامی که در آن هیچ ظلمی نباشد، اسلامی که در آن شخص اولش با فرد آخر در مقابل قانون علی‌السویه باشند. در اسلام چیزی که حکومت می‌کند، یک چیز است و آن قانون الهی است...

۱. ... إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (مانده / ۴۲).

۲. قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ (اعراف / ۲۹).

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوْمَ مَنِ اللَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مانده / ۸).

۴. لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

(ممتحنه / ۸)

۵. ... فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (حجرات / ۹)

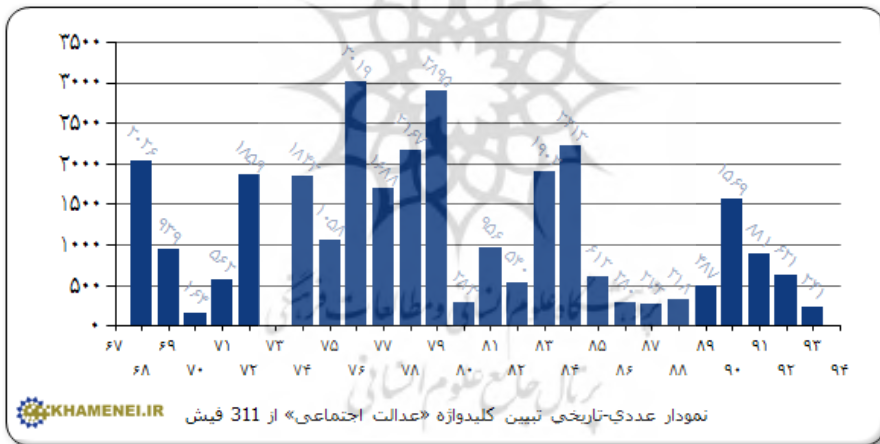
قانون حکومت می‌کند... قانونی که از روی عدالت الهی پیدا شده است. قانونی است که قرآن است. قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) است (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۹: ۴۲). امام خمینی (ره) در جای دیگر، هدف جمهوری اسلامی را استقرار عدل اسلامی معرفی می‌کند و معتقد است با عدل اسلامی همه در آزادی و استقلال و رفاه خواهند بود.

عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ مردم ایران با شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به پیروزی رسید و عدالت از اهداف عالی انقلاب و خواست ملت ایران بوده است؛ اما با این وجود جامعه ایرانی در سال‌های پس از انقلاب مرجع‌های مختلفی از عدالت را که متأثر از اندیشه اسلامی و نظریات توسعه لیبرال سرمایه‌داری و ... ادراک و برداشت‌های متفاوت بود با روی کار آمدن دولت‌ها تجربه کرد و عدم اتفاق نظر در فهم و چگونگی اجرای عدالت، اغتشاش در بخش‌های مختلف جامعه را به همراه آورد. هرچند این آشفتگی مفهومی و اغتشاش در اجرا دلیلی بر نادرست بودن دغدغه رهبران انقلاب اسلامی برای تحقق عدالت نیست؛ اما امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی تأسیس نظام عادلانه را لازمه اجرا احکام خدا می‌دانست (امام خمینی: ۱۳۷۰، ج ۶: ۷۷) و شکی نیست که عدالت‌خواهی یکی از خواسته‌های اصلی مردم در کنار زدن حکومت پهلوی و تحقق انقلاب اسلامی ایران بوده است و به استناد اصول متعدد از قانون اساسی جمهوری اسلامی رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی از اهداف اساسی نظام تازه تأسیس برآمده از انقلاب اسلامی است (خواججه سروی، ۱۳۸۷: ۸-۶).

آیت‌الله خامنه‌ای دومین رهبر انقلاب اسلامی، با تأکید بر مبنایی بودن عدالت در همه تصمیم‌گیری‌های اجرایی نظام اسلامی (آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۷۰/۳/۱۳) ... دو شرط وجودی «عقلانیت و معنویت» را به دور از شائبه‌های سیاسی و شکلی لازمه تحقق عدالت می‌داند (آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۸۸/۶/۱۶) به نظر ایشان؛ هر عرصه از عرصه‌های حیات جمعی اقتضائات خاص خود را دارد و برای تحقق عدالت در آن عرصه شاخص‌ها و معیارهای ویژه‌ی آن عرصه باید تعریف شود... و نظریه‌پردازی و مفهوم‌سازی‌های مرسوم برای تحقق عدالت کفایت نمی‌کند و

لازم است در ساحت‌های مختلف جامعه از اقتصاد و قانون‌گذاری و نظام قضا گرفته تا نظام آموزشی و بهداشت شاخص‌ها و معیارهای عدالت تفکیک‌شده تعیین شود تا در برنامه‌ریزی عدالت‌محور و انجام فعالیت‌های اجرایی برای تحقق عدالت در آن حوزه‌ها معیاری برای داوری وجود داشته باشد و بتوان تشخیص داد که آیا این فعالیت‌ها منتهی به استقرار شده است یا خیر (واعظی، ۱۳۹۰/۴/۶). اینکه «عدالت چه جوری تأمین می‌شود؟ یعنی واقعاً یک مقیاس لازم است، یک معیاری لازم است برای اینکه ببینیم عدالت در بخش‌های فرهنگی، بخش‌های آموزشی و پرورشی یا آموزش عالی، معیار عدالت چیست؟ چگونه عدالت تأمین می‌شود این باید مشخص شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه‌ریزی‌ها داخل کنیم در مقام عمل و در مقام اجرا به آن عدالت موردنظر برسیم» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۶/۸). بنابه گزارش سایت و طبق جدول ذیل آیت‌الله خامنه‌ای در دوره مسئولیت رهبری به‌طور مکرر به‌ضرورت و اهمیت مسئله عدالت پرداخته و در ۳۱۱ سخنرانی خود بر آن تأکید نموده است؛



اما با وجود تأییدات متعدد بر لزوم توجه به شاخص‌ها و معیارهای عدالت، ایشان اذعان می‌کند که: «در دهه‌ی پیشرفت و عدالت، نمره‌ مطلوبی در باب عدالت به دست نیآورده‌ایم.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۳/۰۷) آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب هم؛ ضمن ابراز نارضایتی خود از کارکرد عدالت در کشور، تصریح می‌کند که؛ این به معنای کار نکردن برای استقرار عدالت نیست و واقعیت این است که؛ «دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار

دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). رهبری انقلاب اسلامی بر تحقق عدالت، زمینه‌ها و شروط و الزامات آن بیانات متعددی داشته‌اند. ولی سنجش و ارزشیابی میزان موفقیت دولت‌های پس از انقلاب اسلامی برای تحقق عدالت در جامعه، موضوع بحث این مقاله نیست و تبیین آن و ارزیابی شاخص‌ها و معیارهای معین، مشخص و ملموس برای ارتقاء کیفیت زندگی افراد جامعه مجال تفصیلی دیگری را می‌طلبد.

انقلاب اسلامی و فعالیت فرهنگی

قبل از پرداختن به موضوع مقاله «فعالیت‌های فرهنگی باهدف عدالت‌گستری» و ارتقاء ملموس کیفیت زندگی و انقلاب اسلامی، لازم است به مقصود از فعالیت فرهنگی پرداخته شود. «فرهنگ» مفهومی پیچیده و چندبعدی است که دشواری تعریف کم و کیف آن دست کمی از مفهوم عدالت ندارد. به‌ویژه هنگامی که در ارتباط با انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد این امر سخت‌تر می‌شود؛ اما فرهنگ به معنای مجموعه باورها و ارزش‌های پذیرفته شده‌ای است که اساس رفتار فرد و جامعه را شکل می‌دهد و بسیاری از اعمال و فعالیت‌های افراد بیش از آنکه بر پایه حسابگری و استدلال صورت پذیرد، براساس باورهای فرهنگی انجام می‌پذیرد (عظیمی آرانی، ۱۳۸۷: ۱۸۲). در یک چارچوب مردم‌شناختی یا جامعه‌شناختی، مفهوم فراگیر فرهنگ که مجموعه نگرش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم، عرف‌ها، ارزش‌هاست، اعمال و رفتار انسان را در برمی‌گیرد و در هر گروهی مشترک است (تراسبی، ۱۳۸۹: ۲۲). با پذیرش این تفاوت‌های متمایزکننده گروه‌ها که باورهای فرهنگی را شکل می‌دهند، تعریف فرهنگ؛ مجموعه‌ای از عقاید و باورها، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری، آثار و نمادهاست که ادراکات و مناسبات افراد در جامعه را شکل می‌دهد. لذا با این مقدمه به هر فعالیتی که معنایی ذهنی را در قالبی نمادین و باهدف روشنگری و پرورش روح مخاطب ارائه کند، فعالیت فرهنگی گفته می‌شود. در ابتدا این فعالیت ذهنی و درونی است و در جهت انتقال پیام و معنا به دیگری انجام می‌شود و در قالب‌های نمادین مانند هنر، ادبیات، زبان و ... ارائه می‌گردد. هدف آن صرفاً تأمین یک نیاز جسمی و مادی نیست بلکه پرورش روح است. البته می‌توان ویژگی‌هایی مانند خلاقانه بودن، عقلانی بودن، ارزشمند بودن را در مورد «معنا» لحاظ کرد که به دلیل بیش‌ازحد محدود کردن فعالیت‌های

فرهنگی به موارد خاص، از آن صرف‌نظر می‌شود. این تعریف، تمامی هنرها را در تعریف سستی خود (نقاشی، موسیقی، شعر و ...) در برمی‌گیرد. علاوه بر آن فعالیت‌هایی مانند برگزاری جشنواره‌ها، روزنامه‌نگاری، تلویزیون و ... را نیز شامل می‌شود (صالحی امیری و عظیمی، ۱۳۸۷: ۲۱). محصولات فرهنگی هم در ارتباط با فعالیت‌های فرهنگی ابزارهای مساعدت‌کننده هستند که دربرگیرنده؛ افکار، نمادها و راه‌های زندگی است. اطلاع‌رسان، سرگرم‌کننده و کمک‌کننده به ساخت هویت مشترک و تأثیرگذار بر تجربه فرهنگی و حاصل خلاقیت فردی یا جمعی است (Unesco: 2005: 84). که برای نیازهای فرهنگی تولید و ایجاد می‌شود (رشیدپور، ۱۳۸۸: ۵۸) و برای غنی‌سازی حیات روحانی پالایش روح به کار می‌رود (حسینی پور سی‌سخت و کیاسی، ۱۳۹۲: ۴۸). همچنین باعث ارتقاء سطح دانش فرد و آگاهی‌های خانواده‌ها می‌شود (نقیب‌السادات، ۱۳۸۸: ۱۴)؛ بنابراین، به اجمال فعالیت‌های فرهنگی، مجموعه اقداماتی است مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های جامعه که در قالب عناصر و اجزایی همانند ملیت، قومیت، زبان، دین و مذهب، نژاد، جنسیت، آداب‌ورسوم و مفاهیم و تعابیر رایج، نمود می‌یابد (باقری، ۱۳۹۴: ۷۴۰) و در قالب «هنر» ماندگار می‌شود.

علاوه بر آنچه گفته شد امروزه فعالیت‌های فرهنگی تحت تأثیر قدرت سیاسی یا حکومت است. گذشته از حرکت طبیعی و خودجوش موجود در حیات فرهنگی بخش وسیعی از تلاش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکومت و بازوی اجرایی آن (دولت) صورت می‌گیرد (وحید، ۱۳۸۲: ۱۵۲). دولت‌ها هم برای تبلیغ آرمان‌ها و هدف‌های ایدئولوژی رسمی و هم به لحاظ ضرورت دست یافتن به هدف‌ها و مقاصد سیاسی خویش و هم بنابه کارکردهای جدیدی که پیدا کرده‌اند و برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی را برعهده‌گرفته و نقش و مسئولیتی آگاهانه می‌پذیرند (همایون و فروزان، ۱۳۸۸: ۶۴). شناساندن هویت، تاریخ و میراث اجتماعی از دیگر اهداف فعالیت‌های فرهنگی است که از نسل‌های گذشته تا امروز تداوم یافته است یا در حال حاضر متناسب با مقتضای زمان و مکان به ارزش یا باور اجتماعی تبدیل شده است و یا حاکمیت درصدد جا انداختن ایده خود به‌عنوان میراث حقیقی جامعه است. سیاستی که در دوره پهلوی دوم دنباله اصلاحات آمرانه‌ایی که از زمان رضاشاه با کنار گذاشتن پایه دینی هویت ایرانی شروع شده بود با شدت بیشتر ادامه یافت.

حکومت پهلوی دوم پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت قانونی مصدق با طرح‌ریزی عوامل خارجی به سرکوب تشکل‌های فرهنگی - اجتماعی منتقد پرداخت و به‌زعم اینکه به نوسازی اقتصادی و اجتماعی می‌پردازد صرفاً جوانب اثبات‌گرایانه و ابزاری تمدن مدرن را مورد توجه قرار داد (وحدت، ۱۳۸۲: ۱۳) و بدون اینکه بهایی برای مردم در فعالیت‌های فرهنگی قائل شود، نوسازی جامعه ایرانی را به‌طور اجبار و از بالا به پایین پیگیری کرد (جهانبگلو، ۱۳۸۰: ۲۲).

درواقع محمدرضا شاه فعالیت‌های فرهنگی را برای تحکیم پایه‌های سلطنت خود می‌خواست و به‌واسطه روشنفکران وابسته که توسعه و پیشرفت جامعه ایرانی را درگرو تجدد و حذف سنت‌ها و غربی شدن به‌تمام معنا می‌دانستند، به ترویج فرهنگ غربی و باستان‌گرایی می‌پرداخت. او با فعالیت‌های فرهنگی، مبلغ باورها و مروج آرمان‌های باستانی ایرانیان، می‌خواست به حکومت شاهی خود مشروعیت ببخشد و موانع بسط و توسعه حاکمیتش را که به‌واسطه سنت‌گرایان و مذهبیون جامعه ایجاد و تهدید می‌شد، از میان بردارد (محرمی، ۱۳۸۳: ۹۳-۹۲). در این دوران، ایران باستان با شدت و حدت و غربی شدن باقوت هر چه تمام‌تر، پایه‌های هویت برساخته دولت پهلوی در فرهنگ ایرانیان را تشکیل می‌دادند تبلیغ می‌شد. ایران باستان به‌مثابه بستر و به لحاظ فناوری و دانش‌ورزی، غرب به‌منزله تمدن غالب در فعالیت‌های فرهنگی جامعه تلقی می‌شد در حالیکه دین اسلام به‌عنوان عنصر هویتی مهم مردم ایران از حداقل بهره در آثار و تولیدات فرهنگی برخوردار بود و در حداکثر انزوای فرهنگی قرار داشت؛ مسیری که همه دستگاه‌های فرهنگی و هویت‌ساز رژیم و نظام پهلوی دوم پیش گرفته بودند و توسعه فعالیت‌های فرهنگی مبتنی بر واقعیت‌های جامعه ایرانی را در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های خود کنار گذاشته بودند (بهنام، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

باستان‌گرایان در کل و مخصوصاً در دوران پهلوی در نظر داشتند با تکیه بر فرهنگ و آداب و رسوم ملی و باستانی و تلاش در جهت احیا آن‌ها، فرهنگ مذهبی و اسلامی مردم را کنار بزنند؛ اما افراط در ایجاد تقابل بین فرهنگ ملی و اسلامی و تضعیف آن به بهانه «عرب‌زدگی» به‌واسطه شیفتگی به فرهنگ و تمدن اروپایی، باستان‌گرایی به ورطه «عرب‌زدگی» افتاد و به علت تناقضاتی که در افکار و اعمال باستان‌گرایان درباره فرهنگ ملی و غربی وجود داشت، افکار و

کردارشان نه تنها باعث خلوص و ناب شدن فرهنگ نشد؛ بلکه باعث بیگانگی هر چه بیشتر با فرهنگ خویش به واسطه طرد بخش عمده آن (فرهنگ مذهبی و سنتی) و گرایش هر چه بیشتر به فرهنگ غرب شد (محرمی، ۱۳۸۳: ۷۳). نادیده گرفتن تمامیت هویت ایرانیان و توانایی‌ها و استعدادهای آن‌ها، انسداد فرهنگی و سیاسی را نصیب جامعه ایران در دوران پهلوی دوم کرد و نتیجه آن شد که به جای بسط و گسترش عدالت، افزایش محرومیت و نابرابری‌ها، منجر به انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۵۷ گردید. فعالیت‌های فرهنگی هم پس از انقلاب متأثر از هویت اسلامی - ایرانی و بنیان‌های رایج دینی و فرهنگی است طبق قانون اساسی نظام تازه تأسیس، جمهوری اسلامی نظامی؛ توحیدمحور و مبتنی بر مبانی معرفتی مکتب الهی اسلام می‌باشد و علاوه بر شاخصه‌های کمی این واحد سیاسی، اسلامی بودن جمهوری مردم مسلمان ایران، از ویژگی‌های مهم آن است. لذا لازمه فهم ابعاد فعالیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران درک درست داشتن از مفاهیم و نظریاتی است که در ارتباط با مسائلی همچون هویت ملی و اسلام می‌باشد و عموماً در سطحی کلان قرار می‌گیرد در همین ارتباط رهبری انقلاب، بازگشت به «هویت اسلامی - انسانی» و تحقق «عدالت» را مهم‌ترین راهکار حفظ تداوم آرمان‌ها و بقای انقلاب اسلامی می‌داند (صحیفه نور، ج ۹: ۱۴۵ و محرمی، ۱۳۸۳: ۸۶) و مرتضی مطهری برای انقلاب ملت ایران هویتی اسلامی و دینی قائل است. ایشان رمز بقاء و تداوم انقلاب را هم در سه رکن اصلی تحقق عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی و معنویت اسلامی می‌داند (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۹).

تحلیل یافته‌ها

الف) زوال‌پذیری جامعه بدون تحقق عدالت
 اشاره شد که موضوع عدالت می‌تواند با استناد به نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد؛ اما آنچه مهم است، به‌کارگیری نظریه در شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص یک جامعه است و تأثیرپذیری مسأله زندگی عادلانه از زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مبانی نظری متفاوتی را از زوایای مختلف می‌طلبد. از آنجائی که موضوع عدالت و کیفیت زندگی مسأله‌ای چندوجهی است، نظریه واحدی امکان تبیین زوایای مختلف آن را ندارد؛ برای پیش‌بینی متغیرهای تأثیرگذار بر کیفیت زندگی، نظریه‌های گوناگونی از جمله

«عدالت در اسلام» که در تعالیم و دستورات دینی درباره بهبود ارتباط باخدا، طبیعت و افراد جامعه باهم، قابل شناسایی‌اند. از نظر اسلام کمال انسانی و سعادت آدمی در روابط انسان با خود و هم با غیر خود در برقراری روابط مبتنی بر عبودیت و عدالت است. هدف و غایتی که اصل اسلام به دنبال آن است و اگر چنین نباشد بنیان امور از هم گسسته می‌شود و باقی نمی‌ماند حتی ملک و حکومت ممکن است که بدون دین باقی بماند ولی با ظلم باقی نمی‌ماند (مازندرانی، ج ۹: ۳۸۳) به نظر مطهری هم اگر جامعه‌ای عادل و متعادل باشد، هرچند مردمش کافر باشند، آن جامعه قابل بقاست، ولی اگر ظلم و اجحاف در جامعه‌ای پیدا شود، آن جامعه باقی نمی‌ماند هرچند مردمش به‌حسب عقیده مسلمان باشند (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲۳: ۷۳۳ و ج ۱۵: ۷۴۳ و ج ۲۶، ۳۰۳).

لازم است به این نکته توجه شود که با توسعه و گسترش ابعاد مختلف زندگی بشری، مفاهیم نیز به لحاظ معنایی و مصادیق توسعه پیدا کرده‌اند و دایره شمول آن‌ها افزایش یافته است. مفهوم عدالت هم متأثر از زمان و مکان، تحول مفهومی و مصادیقی داشته و در گذر زمان بر پیچیدگی‌هایش افزوده شده است. در گذشته عدالت محدود به برابری محض بود؛ اما امروزه به جنبه‌های انسانی‌تر و منصفانه‌تر عدالت بیشتر توجه می‌شود. آنچه در تعریف امروزی عدالت به چشم می‌خورد، تعریف جامع و گسترده‌تر آن با تأکید بر نقش نهادهای اجتماعی در باز توزیع ثروت و فرصت است. با این تعاریف، دیگر، مصادیق ظلم محدود به شلاق زدن و تعرض به جان، مال و ناموس یک فرد و انسان‌ها نمی‌شود، بلکه موارد بسیاری همچون مدیریت ناصحیح ترافیک، تأخیر پروازهای هواپیماها، دادن آمار و اطلاعات نادرست و به خطا رفتن امور در جامعه و ... که اتلاف عمر و سرمایه انسانی را در پی دارند و انسان را از طی کردن و ایفای نقش در مسیر عادی زندگی بازمی‌دارند، در دایره تعریف جدید از عدالت جای می‌گیرند؛ بنابراین، چنانچه انجام فعل و یا ترک فعلی از رشد و تعالی و رسیدن به نهایت استعدادهای خدادادی انسانی در مجموع دنیا و آخرت ممانعت به عمل می‌آورند، از مصادیق ظلم محسوب شود و دور از عدالت می‌باشند. در مقابل نیز تولید و اجرا هدفمند آثار، محصولات و فعالیت‌های فرهنگی عدالت‌محور، می‌تواند باعث رشد و تعالی انسان‌ها و ارتقاء کیفیت زندگی افراد در جامعه شود.

لذا برای داشتن یک جامعه مطلوب و متعالی، ارتقای شاخص‌های عینی در عدالت اجتماعی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (محرمی، ۱۳۹۴: ۳۳).

ب) چالش سیاست‌گذاری در فعالیت‌های فرهنگی

به‌رغم توجه نسبی سیاست‌گذاران بعد از انقلاب اسلامی، بر بازگشت به هویت ایرانی-اسلامی، در سال‌های اخیر چالش سیاست‌گذاری و مدیریت واحد و منسجم فرهنگی در کشور، به همراه سایه سنگین حوزه سیاست بر عرصه مدیریت فرهنگی کار را به‌جایی رسانده است که با تغییر هر دولتی عملاً سیاست‌های فرهنگی کشور نیز با بی‌عملی در نظر و اختلال و آشفتگی در عمل مواجه شده است. به تعبیری دیگر شناخت نداشتن به اصل و ابعاد موضوع؛ انقلاب اسلامی و فعالیت‌های فرهنگی عدالت محور برای ارتقاء کیفیت زندگی افراد جامعه با توجه به شرایط پیچیده توسعه و پیشرفت کشور موجب گردیده است که اشاعه و ترویج عناصر فرهنگی در اکثر مواقع بدون در نظر داشتن اهداف ارتقایی و ملاحظات لازم صورت گیرد. یکی از دلایل عمده‌اش هم این است که درباره سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد؛ اولی معتقد است، دولت نباید در امور مربوط به فرهنگ دخالت کند و فقط باید به مدیریت و ساماندهی آن پردازد و گروه دیگری براین باورند که؛ دولت باید برای تبیین، بسط و گسترش ایدئولوژی حاکمیت، در تولید آثار، محصولات و فعالیت‌های فرهنگی مداخله نماید. این دیدگاه‌ها را می‌توان به قائلین به سیاست‌پذیر بودن فرهنگ و معتقدین به سیاست‌ناپذیر بودن فرهنگ دسته‌بندی کرد که خلاصه آن در جدول ذیل آمده است (فرخی و نادری نژاد، ۱۳۹۸: ۱۲۰):

دیدگاه‌های نظری دربارهٔ سیاست‌پذیری یا سیاست‌ناپذیری فرهنگ

شاخص‌ها دیدگاه‌ها	تعریف فرهنگ	بازیگر اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی	حیطه دخالت بازیگر اصلی در سیاست‌گذاری فرهنگی
دیدگاه دولتی	تعریف کلان از فرهنگ	دولت	دولت برای ایجاد نظم یا رضایت در مردم و در راستای اهداف ایدئولوژیکی خود از ابزار فرهنگ استفاده می‌کند.
دیدگاه بازار	تعریف خرد از فرهنگ	بازار	بازار به‌عنوان بستری است که با تعریف قواعد و رویه‌ها، ارزش‌های فرهنگی را مشخص می‌کند. دولت در این نگاه خود نیز به‌عنوان بازیگری هم‌سطح با بازیگران دیگر در بازار تعریف می‌شود.
دیدگاه ارتباطی	تعریف کلان از فرهنگ	حوزه عمومی	در این دیدگاه این مردم هستند که با تشکیل فضاهای عمومی به تبادل‌نظر و ایده‌باهم می‌پردازند و نوع سیاست فرهنگی و نیز ارزش‌ها را مشخص می‌کنند. در این دیدگاه دولت تنها به‌عنوان بازیگر هم‌سطح حوزهٔ عمومی است که می‌تواند تنها دیدگاه خود را مطرح کند

باگذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی گفتمان حاکم در فعالیت‌های فرهنگی در کشور همچنان در قالب‌های رسمی و کلاسیک به شکل سنتی به مسائل پاسخ می‌گوید، اما با تغییرات وسیع محیطی در قلمرو ملی و جهانی، مقولات جدید فرهنگی اجتماعی در قالب‌های نوین وارد حوزه داخلی کشورها شده که قبلاً نبوده است. لذا لازمه داشتن یک توسعه و پیشرفت، سازنده و پایدار به‌روز، نیازمند شناخت مفهومی و اجرایی صحیح از حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه فرهنگ است. به بیانی دقیق‌تر در جهانی که فعالیت‌های فرهنگی ابعاد ظریفی پیدا کرده است رفع ابهام در مفاهیم جدید به‌ویژه در ارتباط با عدالت توجهات فزون‌تری را می‌طلبد. البته برای رفع این مشکل سیاست‌گذاران فرهنگی جمهوری اسلامی با تهیه و تدوین نقشه مهندسی فرهنگی تلاش نموده‌اند ارزش‌ها و اصول ایرانی - اسلامی را به تفصیل تبیین نمایند. ارزش‌ها در پنج حوزه تعقل، ایمان، اخلاق، علم و عمل تعریف شده است و اصول نیز شامل اصل دین‌مداری، اصل عدالت، اصل هدایت و راهبری، اصل تعاون و مشارکت مردمی، اصل آینده‌نگری و

آینده‌نگاری، اصل جامعیت، اصل انسجام و هماهنگی، اصل تعامل مؤثر، اصل تدریج، اصل کارآمدی، اصل خلاقیت و نوآوری، اصل تأمین منابع و هدایت سرمایه‌ها، اصل اعتدال و عقلانیت است. هر یک از این ارزش‌ها و اصول، خود شامل ارزش‌ها و اصول جزئی‌تری نیز است (سامانه مهندسی فرهنگی، <http://mf.farhangoeim.ir>). فرهنگ ایرانی - اسلامی بخشی از این هویت است که مستقیماً با فرایند تولید محصولات و خدمات فرهنگی در ارتباط است. ولی اینکه چقدر این اقدامات به بسط و گسترش عدالت در جامعه کمک کرده است مطلب قابل تأملی است که باید مورد سنجش قرار بگیرد.

ج) فقدان مفهوم‌پردازی درباره فعالیت‌های فرهنگی عدالت محور

امروزه موضوع عدالت برای ارتقاء کیفیت زندگی افراد در جامعه به‌عنوان یکی از شاخصه‌های پیشران ارتقایی جوامع مطرح است و همواره نیاز به بررسی مستمر و تطبیق با ساختار و مفاهیم اجتماعی بومی دارد. به‌طوری‌که نپرداختن به آن تهدید علیه عدالت را به‌طور فزاینده‌ای بیشتر کرده است؛ این عوامل تهدیدزاء به دلیل ساختار اجتماعی‌شان، موضوعات متعددی را شامل می‌شوند و این مسأله عموماً از حیثه افراد فراتر می‌رود و در دایره فرهنگ عمومی و هویت جامعه قرار می‌گیرد. لذا بررسی هدفمند محصولات و فعالیت‌های فرهنگی برای جامعه به‌ویژه جامعه دینی از آنجا راهگشاست که عدالت در جایگاه مفهوم اصلی برای زندگی شایسته دین مدارانه جای گرفته و به‌عنوان سازوکار ارتقایی در جامعه دینی مطرح است. حرکت انسان هم نهایتاً در جهت کمال و رسیدن به آن، در جامعه‌ای عادلانه به دست می‌آید و همان‌طور که افراد در حرکت رو به کمال هستند، جامعه نیز باید در سیر و حرکت رو به ارتقاء کیفیت و کمال قرار گیرد. با رویکرد عادلانه و آنچه در تعریف عدالت آمده است؛ «العدل یضع الامور فی موضعها»^۱ هر چیزی و هرکسی در جای شایسته خودش قرار داشته باشد فعالیت‌های فرهنگی در راستای بسط و گسترش عدالت در سطوح مختلف جامعه اعم از حکومت‌گران و حکومت‌شوندگان تولید و اجرا شوند، باعث بهبود ساخت اجتماعی و ارتباطات بین فردی و انسان با این حوزه‌ها

۱. شرح نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷، ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۲۲۴.

نیز می‌شوند و در نهایت با ارتقاء جایگاه و برقراری روابط عادلانه، افراد در جامعه نیز در مسیر و حرکت رو به کمال و تعالی قرار می‌گیرند. مدل تعالی‌گرای آن نیز به شکل ذیل قابل ترسیم است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش و با توجه به تحلیل مستندات و رویکردهای فرهنگی مربوط به دوره تحقیق و فراتحلیل پژوهش‌های اندیشمندانی که درباره عدالت و بسط و گسترش آن در جامعه انجام داده‌اند در پاسخ به سؤال مقاله، می‌توان این نتیجه را گرفت؛ با گسترش عدالت؛ زندگی افراد به لحاظ کیفی کیفیت در جامعه ارتقاء یافته و رضایت‌مندی افزایش می‌یابد. در مقابل با اشاعه تبعیض و محرومیت در جامعه غیرعادلانه، ارتباطات انسانی و اجتماعی مصلحانه، حمایت از کار شرافتمندانه، رشد آزاد، هویت و دانش، مشروعیت، وحدت ملی و ... به مخاطره می‌افتد. همچنین با توجه به کارکردها و چارچوب‌های حاکم بر فرایند ارتقای عدالت، فعالیت‌های فرهنگی عدالت‌محور، احساس رضایت افراد در جامعه را افزایش می‌دهد و جلوه و عینیت بیشتری می‌یابد؛ اما به‌رغم اینکه عدالت از عناصر اصلی گفتمان انقلاب اسلامی بوده است و کمک‌هایی که دولت‌های پس از جنگ تحمیلی هشت‌ساله به توسعه و پیشرفت جامعه ایرانی کرده‌اند همچنان ناکامی‌های زیادی درباره بسط و گسترش عدالت در ایران وجود دارد. از طرفی با توسعه و گسترش ابعاد مختلف زندگی بشری، مفاهیم نیز به لحاظ معنایی و مصادیقی توسعه پیدا کرده‌اند و با مسائل جدید و متعدد زندگی بشر امروزی، دایره شمول آن‌ها نیز افزایش یافته است و هر نقصانی در زندگی انسان که موجب اتلاف عمر و سرمایه انسانی و اجتماعی شود و انسان را از مسیر تعالی و کمال بازدارد از مصادیق ظلم بوده و دور از عدالت است. لذا بسترسازی مناسب فرهنگی و استقرار مدیریت صحیح در بخش‌های مختلف جامعه برای شکوفایی استعدادهای انسانی و الهی افراد جامعه می‌تواند در راستای عدالت و ارتقاء زندگی اجتماعی ارزیابی گردد. در مجموع نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند به شرح ذیل باشد:

- فعالیت‌های فرهنگی هدفمند از الزامات بسط و توسعه معنا و مفهوم عدالت است.
- ارتقاء کیفی زندگی اجتماعی افراد با گسترش و توسعه عدالت در جامعه ممکن خواهد بود.

- فعالیت‌های فرهنگی باهدف فهم بیشتر مفهوم عدالت در جامعه، جریان‌های عدالت‌خواه واقعی را برای رفع محرومیت‌ها توسعه و گسترش می‌دهد و خیر عمومی افزایش یافته و زندگی اجتماعی افراد ارتقاء می‌یابد.
 - تهدیدات و ضعف‌های ناشی از عدم بسط و گسترش ساختاری عدالت و ارتقاء نیافتن زندگی اجتماعی، می‌تواند با فعالیت‌های فرهنگی هدفمند کنترل شود و یا با حرکت به سمت کاهش و یا امحای آن‌ها و به معنای موسع، عوامل قوت و فرصت حفظ و حرکت به سمت افزایش آن‌ها، صورت پذیرد.
 - اگر با فعالیت‌های فرهنگی هدفمند به گسترش عدالت پرداخته نشود، افزایش بی‌عدالتی‌ها در جامعه مشروع جلوه می‌کنند.
 - صیانت از بسط عدالت و توزیع عادلانه منابع اقتصادی در جامعه توسط رسانه‌های متعهد، دیواری بلند و حفاظی مستحکم در برابر فضای بی‌عدالتی است؛ در این جایگاه تنویر افکار عمومی و فعالیت‌های هدفمند فرهنگی می‌تواند عدالت را در جامعه منتشر سازد.
 - باتوجه به اینکه اساساً انقلاب اسلامی، انقلاب مطالبه عدالت بوده است، فقدان رویکرد راهبردی عدالت‌گستر در فعالیت‌های فرهنگی برای ارتقاء زندگی اجتماعی، اهداف و گفتمان انقلاب اسلامی را به مخاطره می‌اندازد. لذا اهتمام قوای سه‌گانه مملکت در بسط این راهبرد تأثیرگذارترین عامل حفظ و برقراری عدالت در جامعه است.
- نباید فراموش کرد که الگوهای فرهنگی عدالت محور برای ارتقاء زندگی اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها، اهداف و مقتضیات هر جامعه طراحی می‌شود و الگوی فرهنگی یکسان نمی‌تواند برای همه جوامع به‌طور یکسان ایده‌آل باشد. معیارها و شاخص‌های ارزیابی هر جامعه‌ای، خاص خود آن جامعه و کشور است و معیارهای دیگران نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در جمهوری اسلامی هم که نظامی برآمده از انقلاب اسلامی است؛ باوجود چالش سیاست‌گذاری در فعالیت‌های فرهنگی و فقدان مفهوم‌پردازی درباره عدالت و ساختارهای توزیعی ارتقاء دهنده عدالت، همچنان اصول، آرمان‌ها، ارزش‌های دینی و ملی، منابع قابل اتکا می‌باشند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷، ج ۸، ترک، حسین (۱۳۹۲). «معانی عدالت در اخلاق اسلامی»، فصلنامه فلسفه و الاهیات نقد و نظر، شماره ۶۹: ۱۰۲-۱۲۹.
- آیت الله خامنه‌ای، علی (۱۳۷۰). پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳/۳/۱۳۷۰، khamenei.ir
- آیت الله خامنه‌ای، علی (۱۳۸۸). بیانات رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۳/۸، khamenei.ir
- آیت الله خامنه‌ای، علی (۱۳۸۸). بیانات رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۶، khamenei.ir
- آیت الله خامنه‌ای، علی (۱۳۸۹). بیانات رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸، khamenei.ir
- بهنام، جمشید (۱۳۷۵). ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: نشر فرزاد
- تراسبی، د (۱۳۸۹). اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی. تهران: نشر نی
- توسلی رکن‌آبادی، مجید و محمد شجاعیان (۱۳۹۲). «نظریه عدالت سندل و چند فرهنگ‌گرایی»، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ۲۲: ۱۸۰-۱۵۷.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۰). ایران و مدرنیته، تهران نشر گفتار.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). ت. اسلام و روابط بین‌الملل، محقق محمدحسین الهی‌زاده، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). الف. انتظار بشر از دین، محقق مصطفی پور، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). ب. دنیاشناسی و دنیاگری در نهج البلاغه، محقق عباس رحیمیان، قم: انتشارات اسراء.
- حسینی پور سی سخت، نیکنام و سهیلا کیاسی (۱۳۹۲). صنایع فرهنگی، صنایع خلاق، تهران: انتشارات فرهنگ مانا.
- خواجeh سروی، غلامرضا (۱۳۸۶)، «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران»، تهران: دانش سیاسی، شماره ۲: ۳۵-۵.
- رشیدپور، علی (۱۳۸۸). «بررسی میزان مصرف کالاهای فرهنگی در بین دانش‌آموزان شاهد استان لرستان»، مجله مدیریت فرهنگی، شماره ۶: ۷۴-۵۵.
- شفیع‌آبادی، عبدالله؛ احمد برجلی؛ فریبرز باقری؛ معصومه اسمعیلی و عاطفه نژادمحمد نامقی (۱۳۹۳)، «ساختار و الگوی کیفیت زندگی اسلامی مبتنی بر دیدگاه آیت الله جوادی آملی»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲۲: ۲۶-۷.

صالحی امیری، سیدرضا و امیر عظیمی (۱۳۸۷). مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی
صحیفه امام خمینی (ره)، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹ / ۱/۶، <http://www.tebyan.net>
صفرپناهی، محمدحسین (۱۳۸۵). «اثر انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های تبیینی وقوع انقلابات»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۱:

عظیمی آرانی، حسین (۱۳۸۷). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشر نی
فرخی، میثم، مهدی نادری‌نژاد (۱۳۹۸). «تحولات سیاست‌گذاری فرهنگی شبکه‌های اجتماعی مجازی در جمهوری اسلامی ایران: مورد مطالعه تحلیل اسناد بالادستی ۱۳۷۰-۱۳۶۹»، تهران: فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ۴۸:

مازندرانی، ملا محمدصالح، شرح اصول کافی، جلد ۹.
محرمی، توحید (۱۳۸۳). «هویت ایرانی اسلامی ما»، مندرج در مجموعه؛ «هویت در ایران»، با اهتمام: علیخانی، علی‌اکبر، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

محرمی، توحید (۱۳۹۴). نظارت بر قدرت سیاسی در اسلام، تهران: انتشارات تقریر.
محرمی، توحید (۱۳۹۵). عراق جدید و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

محرمی، توحید (۱۳۹۸). مطالعه ابعاد امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

محرمی، توحید (۱۳۹۷). «آینده امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی و تحقق تمدن نوین ایرانی اسلامی»، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۱: ۸۹-۶۵.

محمدپور، سمانه و بدرالدین اورعی یزدانی (۱۳۹۴). عدالت اجتماعی در مدیریت اسلامی (با تکیه براندیشه امیر المومنین (ع)، دومین همایش بین‌المللی مدیریت و فرهنگ توسعه، تهران: موسسه سفیران فرهنگی مبین.
مختاری، مرضیه و جواد نظری (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی کیفیت زندگی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). پیرامون انقلاب اسلامی، ج ۹، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۳). عدل الهی، ج ۳، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار، ج ۸، ج ۲۳، ج ۱۵ و ج ۲۶، تهران: انتشارات صدرا.

ملکوتیان و دیگران (۱۳۸۸). «تحلیل سازه انگارانه تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر آمریکای لاتین»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴: ۲۴-۱.

نجفی، زین‌العابدین (۱۳۹۱). «مفهوم‌شناسی واژه عدالت در فقه امامیه»، فصلنامه انسان‌پژوهی دینی، شماره ۲۸: ۱۷۰-۱۴۱.

نقیب‌السادات، رضا (۱۳۸۸). «اقتصاد فرهنگ و صنایع فرهنگی»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۶: ۴-۱۵.
همایون، محمدهادی و حامد فروزان (۱۳۸۸). «تبیین رابطه مطلوب حکومت و فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران»، تهران، دو فصلنامه دین و ارتباطات، شماره ۳۶-۳۵: ۹۲-۶۳.

واعظی، احمد (۱۳۹۰). بررسی «عدالت» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، khamenei.ir.

وحدت، فرزین (۱۳۸۲). رویارویی فکری ایران با مدرنیت، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه تهران، ققنوس.

وحید، مجید (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.

سامانه مهندسی فرهنگی <http://mf.farhangoeim.ir>

Unesco (2005), International Flows of Selected Cultural Goods and Services, 1994-2003: Defining and capturing the flows of global cultural trade, Unesco Institute for Statistics, Montral.

Schuessler, K.F. Fisher, G.A (1985), "Quality of life research and sociology", Annual review of sociology, No 11.

Schalock, R.L (2004), "The concept of quality of life: what we know and do not know", Journal of intellectual disability research, No 43.

Schalock, R.L (1999), "Thredecades of quality of life", Focus on Autism and other development disabilities, No 15.

Wood, D.S (1991), "Assessing quality of life in clinical research from where have we come and where are we going", Journal of clinical epidemiology, No 52.